

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

شادروان استاد احمد علی کهزاد

فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

اهتمام سردار محمد اکبر خان غازی

در استرداد یکی از دختران فرنگی به والدینش

در میان عادات خجسته ملی ما یکی هم حراست از اسیران جنگ و دیگری از آن برجسته تر حفظ و احترام ناموس است که دود افغانی بدان سخت پابندی دارد و برای اثبات مراتب این صفات پسندیده داستان ها و قصه های زیادی در میان خود ما و بیگانگان موجود است که یکی آنرا اینجا به استناد اسناد مهم تاریخی نقل میکنم:

بعد از اینکه انگلیس ها در پایان دوره اول تسلط خود بر افغانستان بتاريخ ۶ جنوری ۱۸۴۲ (۲۲ ذیقعدہ ۱۲۵۷ هجری قمری) کابل را تخلیه کرده و راه جلال آباد پیش گرفتند، دسته اسیران انگلیسی چه زن و چه مرد هم در دست مقامات افغانی بود که سردار محمد اکبر خان غازی شخصاً سرپرستی و حمایت ایشان را در عرض راه کابل - جلال آباد بعهده گرفته بود و چون هنوز دسته ای از قوای انگلیسی به ریاست جنرال (سیل) خلاف قرارداد، خود را در جلال آباد قایم کرده بود، سردار مجاهد افغانی اسیران دشمن را عوض جلال آباد به لغمان برد و در (تیگری) در قلعه محمد شاه خان موسوم به (قلعه بدیع آباد) ایشان را جای داد و از آنها سرپرستی و خیرگیری میکرد. سردار محمد اکبر خان به همه محبوسان مخصوصاً طبقه زنان و اطفال ایشان بی نهایت لطف و الطاف نظر داشت که مورد تصدیق خود نویسندگان فرنگی هم قرار گرفته است.

آنچه قصد سردار افغانی را نسبت به زنان و دختران اسیر دشمن ثابت میسازد، روح افغانی را شاد و قرین مباهات میسازد، موضوع اهتمامی است که در استرداد دختر مستر (اندرسن) یکی از محبوسان فرنگی بخرج داده است. (اندرسن) اصلاً یکی از صاحب منصبان انگلیسی بود که با لشکریان فرنگی در سال ۱۸۳۸ مع شاه شجاع از راه سند و بلوچستان وارد قندهار شد و بعد در زمان سلطه فرنگی و شاه شجاع رساله ای مرکب از (۵۰۰) سوار مخصوص شاه شجاع و بنام اندرسن در کابل تشکیل شد. در تخلیه کابل در نزدیکی تنگی خرد کابل در اثر هجوم مجاهدین دختر اندرسن بدست غازیان افتاد و خودش در قطار اسراء در ذیل حمایت سردار محمد اکبر خان درآمد و در اثر دادخواهی و استدعائی که از سردار مبنی بر تفحص و استرداد دختر خود میکند، سردار محمد اکبر خان نامه ای به کابل میفرستد و از نایب امین الله خان لوگری که درین فرصت اختیار دار امور کابل بود، خواهش میکند تا دختر مذکور را بهر نحوی که میشود از تصرف محمد عمر خان ولد میر احمد خان رهانیده به متعلقان او برساند. متن این نامه تاریخی که معرف یکی از سجایای بزرگ ملی ما میباشد، قرار آتی است:

« مکتشوف ضمیر محبت تخمیر عالیجاه معلی جایگاه حشمت دستگاه امیر الامراء العظام مدانقت فرجام عمومی صاحبی ام نایب صاحبی حفظ الله تعالی میدارد که الهی از جمیع عوارضات زمان در امان ملک منان بوده شاد کام باشند.

بعدها مشهود میدارد که در باب دختر (اندرسن) صاحب فرنگی که در دره خرد کابل بدست عالیجاه رفیع جایگاه دوستی آگاه محمد عمر خان ولد عالیجاه حشمت دستگاه امیر احمد خان افتاده و از آن تاریخ تا حال متعلقان او که در تصرف میباشند، نهایت نا آرامی دارند و قبل از این هم قلمی شده بود حال هم قلمی میگردد که لازم بل الزم که بهر نحو میدانند همان دختر (اندرسن) را بصیانت آمان معتبر بزودی روانه نمایند که هر آئینه خوشنما است و اگر نرسد بسیار نالایق و بی مناسب است. الحمد لله خود دانا و هوشیار میباشید. درین باب بسیار سعی و اهتمام بلیغ بکار برند

و از اینطرف خاطر خود را بهر باب جمع داشته احوالات سلامتی خود را با رویداد و کوايفات آنطرف قلمی و ارسال دارند و در باب فرستادن دختر (اندرسن) تغافل و اهمالی نخواهند نمود که از جمله لوازمات است. زیاده ایام بکام باد و به رب العباد.»

این مکتوب تاریخی یک سند پر افتخاری است که از برق شمشیر مجاهد افغانی به مراتب درخشندگی بیشتر دارد و ثابت میسازد که احترام افغانها به ناموس، حتی ناموس دشمن به کدام اندازه محقق و روشن است. از روی یادداشت های جنرال (ایر) انگلیسی استنباط میشود که واقعه اسارت دختر مستر (اندرسن) مذکور بتاريخ ۸ جنوری ۱۸۴۲ در روز سوم حرکت سپاه انگلیس از کابل در تنگی خرد کابل واقع شده و این خطرناک ترین روزی بود که بر سر سپاه فرنگی آمد و در حالیکه در همان روز سه هزار نفر ایشان تلف شد، اسباب و جبه خانه و حتی زنان و دختران و اطفال خود را رها کردند و در همین روز دختر اندرسن هم بدست غازیان افتاد. سعی سردار محمد اکبر خان در استرداد آن یکی از عالی ترین مظاهر سجایای مردانه سردار مجاهد را واضح میسازد.

/۱۰ قوس ۱۳۳۸/